

مواجهه مرحوم دکتر سید علی شایگان با مرحوم نواب صفوی

۳۴/۱۰/۱۶

در دفتر دادستانی ارتش

ملاحظات — در اینموقع دستور داده شد سید مجتبی نواب صفوی حضور

بهمرساند پس از حضور مشاالات زیر بعمل آمد.

سؤال از نواب صفوی

س — این آقا را که مقابل شما نشسته اند می شناسید یا خیر؟

ج — بله می شناسم آقای دکتر سید علی شایگان هستند سید مجتبی نواب

<http://www.chebayadkard.com>

صفوی.

س — آقای دکتر سید علی شایگان می فرمایند نه تنها از موضوع و مقدمات قتل

مرحوم سپهبد رزم آراء اطلاع نداشته اند بلکه اصولاً قتل مرحوم سپهبد رزم آراء را جایز

نمی دانستند، درحالیکه شما آقای دکتر شایگان را یکی از معاونین آن قتل معرفی کرده اید

چه میگوئید در حضور خودشان در اینمورد هر توضیح دارید بیان نمایند [۴]

ج — بنده آنچه میدانستم و میدانم اینست که شخص آقای دکتر شایگان و سایر

افراد جبهه ملی و اقلیت آروز مجلس شورا رای و نظرشان درخصوص قتل تیمسار سپهبد

رزم آراء یکی بود و همگی تجویز مینمودند و بلکه برای رهائی ملت مسلمان ایران از

دست انگلستان این کار یعنی قتل و از بین بردن آقای تیمسار رزم آراء را لازم میدانستند،

س - آقای دکتر شایگان میفرمایند حتی در طرح عفو و آزادی خلیل طهماسبی دخالت نکردند از شما سوال میشود شخص آقای دکتر شایگان چه دخالتی در قتل مرحوم سپهبد رزم آراء داشتند درست به موضوع توجه کنید موضوع این نیست که آقای دکتر شایگان چون در جبهه ملی بودند و جبهه ملی هم مخالف سپهبد رزم آراء بود بنابراین وقتی سپهبد رزم آراء کشته شد جبهه ملی خوشوقت گردید که یکی از مخالفین آن جبهه از بین رفت بلکه موضوع سوال این است آیا قبل از کشته شدن رزم آراء شخص آقای دکتر شایگان بنحوی از انحاء تجویز قتل مرحوم مزبور را نمودند یا خیر [۹]

ج - شخص ایشان بطور خصوصی بنده در نظر ندارم در جهت قتل تیمار سپهبد رزم آراء چیزی گفته باشند یا عملی نموده باشند ولی تمام افراد جبهه ملی قبلاً یعنی قبل از کشته شدن تیمار رزم آراء موافق با قتل او بودند و تجویز و تحریر هم مینمودند و حتی در تظاهرات و نطقهای علنی هم سخنگویان آقایان جبهه ملی تصریح به این موضوع مینمودند نه اینکه تنها بعد از وقوع عمل موافق آن واقع باشند. سید مجتبی نواب صفوی

س - سوال از دکتر شایگان

بنظر جنابعالی و اطلاعات جنابعالی نسبت به آخرین جواب سید مجتبی نواب صفوی که رهبر فدائیان اسلام بوده و خلیل طهماسبی زیر رهبری او بوده است چیست، مرقوم فرمائید.

ج - بنده شخصاً در باب لزوم از میان بردن مرحوم رزم آراء اظهار نظری هیچوقت نکرده ام، نه از این جهت که مخالف او نیومدم، ولی از این جهت که فکر این کار هم برای من پیش نیامده بود. از اینکه سایر افراد جبهه ملی در این باب اظهار نظری کرده باشند مطلع نیستم. حال اگر آقای نواب صفوی از نطقهای افراد جبهه ملی در مجلس، از جمله از نطق بنده چنین استنباطی کرده اند آن امریست علیحده یعنی امریست وجدانی و شخصی، دکتر شایگان.

<http://www.chebayadkard.com>

در ساعت ۱۸/۵۰ نواب صفوی احضار شد، و پس از حضور سئوالات زیر بعمل

آمد:

سؤال از سید مجتبی نواب صفوی

س - این آقا را که در برابر شما نشسته اند می شناسید یا خیر [؟]

ج - بله ایشان را می شناسم آقای دکتر بقائی هستند، [امضاء] سید مجتبی نواب

<http://www.chebayadkard.com>

صفوی.

س - شما قبل از اینکه بنا به اعتراف خودتان از لحاظ فدائیان اسلام قتل سپهبد

رزم آراء را ضروری بدانید [،] و اقدام بکشتن سپهبد رزم آراء بنمائید آیا در این مورد،

آقای دکتر بقائی از موضوع قتل رزم آراء قبل از انجام قتل اطلاع داشتند یا نداشتند [؟]

نویسه داشته باشید آقای دکتر بقائی معترف اند که مقاصد سیاسی سپهبد رزم آراء را بر

ضرر ملت و مملکت ایران می دانستند [،] و از ابتدای حکومت رزم آراء و حتی قبل از آن

شدیداً با مرحوم رزم آراء مبارزه می کردند و حتی می فرمایند کشته شدن رزم آراء را

فرجی می دانستند [،] و بهمین مناسبت و کالت تدافعی خلیل طهماسبی را قبول فرمودند،

و توضیح می دهند خود از پایه گذاران طرح عفو و آزادی خلیل طهماسبی بوده اند [.]

موضوع سؤال از شما این نیست که آیا آقای دکتر بقائی از کشته شدن رزم آراء راضی

بودند یا خیر [؟] بلکه سؤال این است آیا آقای دکتر بقائی بنحوی از اتحاء در مورد قتل رزم آراء دخالتی داشته اند یا خیر [؟]

ج - چند ماه پیش از کشته شدن رزم آراء در ملاقاتی که میان بنده و آقای دکتر بقائی در منزل آقای حاج محمود آقائی رخ داد ایشان یعنی آقای دکتر بقائی پس از بیان همان عقاید مذکور خود نسبت به آقای تیمسار رزم آراء گفتند که ایشان وجودش خطرناک بوده مانع است و بایستی ازین برود، و نیز قبل از کشته شدن رزم آراء از موضوع قتلش خیر داشتند [.] سایر افراد جبهه ملی تجویز و تحریرص هم می نمودند. [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از آقای دکتر مظفر بقائی

س - جواب سید مجتبی نواب صفوی را استماع فرمودید چه می فرمائید [،] راست می گوید یا دروغ [؟]

ج - درخصوص عقاید من نسبت به سیاست سپهبد رزم آراء بر همه معلوم است و در استیضاح دوره پانزدهم و شماره های روزنامه شاهد طبع و منتشر شده است و مطلبی نیست که کسی از آن اطلاعی نداشته باشد. اما درخصوص ملاقات با آقای نواب صفوی قبل از کشته شدن سپهبد رزم آراء شدیداً و صراحتاً تکذیب می کنم.

سؤال از نواب صفوی

س - توضیح آقای دکتر مظفر بقائی را مبنی بر اینکه شما و ایشان در منزل حاج محمود آقائی ملاقاتی دست داده، و آقای دکتر بقائی گفته اند وجود رزم آراء خطرناک است و مانع است و بایستی ازین برود تکذیب می فرمایند [،] شنیدید چه می گوئید [؟]

ج - آن شبی که منزل آقای حاج محمود آقائی آمدند، آقای حاج محمود آقائی مسلماً در نظر دارند، و نیز فردای آن شب که باز برای ظهر به آنجا یعنی منزل آقای محمود آقائی تشریف آوردند در آنجا آقای نریمان و آقای فاطمی و آقای مکی هم بودند و لابد آن آقایان فراموش نکرده اند و نیز آقای حاج ابوالقاسم رفیعی هم بودند [،] و در یکی از این دو وقت یعنی در آن شب و یا فردای آن شب آقای خلیل طهماسبی هم بودند و بیاد دارم همان اظهار نظر مذکور را راجع به آقای تیمسار رزم آراء کردند [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی

<http://www.chebayadkard.com>

سؤال از آقای دکتر بقائی

ج - آیا در برابر توضیح اخیر نواب صفوی اظهاری دارید یا خیر [؟] چنانچه

ملاحظه می‌فرمائید این شخص با ذکر محل ملاقات می‌گوید جنابعالی در قتل مرحوم رزم‌آراء معاونت داشتید [۱] درحالی‌که جنابعالی باقید شدیداً و صراحتاً گفته نواب صفوی را نکذیب فرمودید.

ج - تصور می‌کنم که آقای نواب صفوی در مورد تاریخ ملاقات اشتباه می‌کنند [۱] زیرا ملاقاتی را که اشاره کرده‌اند مربوط به چندین ماه بعد از کشته شدن شهید رزم‌آراء می‌باشد.
سؤال از نواب صفوی

س - در برابر جواب آقای دکتر بقائی چه می‌گویند [۲]
ج - بنده خوب بخاطر دارم که چند ماه قبل از کشته شدن تیسار رزم‌آراء آن ملاقات رخ داد، و بعد از کشته شدن تیسار رزم‌آراء دیگر با ایشان هم مجلس نشده بودم تا این مجلس، و لابد تاریخ آن مجلس هم در خاطر سایر آقایان مذکور باشد [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

<http://www.chebayadkard.com>

سؤال از آقای دکتر بقائی

س - در صفحه ۲ مرقوم فرمودید که با نواب صفوی در مکانی روبرو نشدید، البته سؤال مربوطه این بود که آیا قبل از قتل مرحوم رزم‌آراء در مکانی با نواب صفوی روبرو شده‌اید یا خیر که مرقوم داشتید (خیر)، از این جواب و آخرین جوابی که بیان داشتید ممکن است نواب صفوی لشتیاه کند و پس از قتل مرحوم رزم‌آراء بوده است که شما با نواب صفوی ملاقات کرده‌اید، حداقل چنین استنباط می‌شود که بهر حال جنابعالی با رهبر فدائیان اسلام یعنی نواب صفوی ملاقاتهایی داشته‌اید آیا مراتب را تأیید می‌فرمائید یا خیر [۳] ضمن اینکه ملاحظه می‌فرمائید نواب صفوی می‌گوید ملاقات او با جنابعالی قبل از کشته شدن رزم‌آراء بوده، و اساس ملاقات روی از بین بردن رزم‌آراء بوده است.

ج - منکر ملاقات با آقای نواب صفوی نیستم و در سؤال صفحه دوم در جواب اینکه آیا آقای نواب را قبل از کشته شدن شهید رزم‌آراء ملاقات کرده‌ام، نوشتم خیر و اکنون هم همان جواب را تصریح می‌کنم. زیرا اولین ملاقات من با آقای نواب صفوی بطور قطع چند ماه بعد از کشته شدن شهید رزم‌آراء بوده است و قبلاً بهیچوجه ایشان را ندیده بودم.

س - پس از قتل درباره‌ی چه موضوعی با نواب صفوی ملاقات فرمودید و در کجا

با حضور چه اشخاص [؟]

ج - ملاقات به تقاضای آقای نواب و بدعوت صاحبخانه یا مهماندار ایشان بود - محل آن را فعلاً بخاطر ندارم - همینقدر بیاد دارم که در یک کوچه شرقی - غربی بود و از یک خیابان شمالی - جنوبی اتومبیل رو به آن کوچه رفتیم، و خانه در سمت جنوبی کوچه و در اواسط آن قرار داشت و کوچه هم دارای چند درخت بود و نهر آب (البته بدون آب) در وسط کوچه بود. اشخاص حاضر در آن جلسه را بتحقیق نمی توانم تعیین کنم، ولی تصور می کنم آقایان نریمان و مکی و دکتر فاطمی و شاید یکی دو نفر دیگر از جبهه ملی حضور داشتند و در بین حضار چند نفری هم از فدائیان اسلام بودند که اسامی آنها را بخاطر ندارم. اما موضوع ملاقات آنچه بخاطرمان مانده است پیشنهاد برای هدایت حکومت آقای دکتر مصدق و اصلاحاتی که انتظار داشته بود.

سؤال از نواب صفوی

س - در برابر آخرین توضیح آقای دکتر بقائی هرگونه مطلبی دارید بنویسید

[؟]

ج - خوب بخاطر دارم که این ملاقات در خیابان عین الدوله در کوچه منزل حاج محمود و منزل آقای حاج محمود آقائی بود و مخصوصاً انتقادات شدید از نخست وزیر آقای رزم آراء و شخص ایشان یعنی آقای تیمسار رزم آراء در میان بود و چند ماه به واقعه کشته شدن تیمسار رزم آراء مانده بود و اگر ایشان فراموش کرده اند شاید سایر آقایان بخاطر دارند بخصوص اینکه آقای طهماسبی که محل آقایان را خوب می دانستند، یکی از برندگان پیام یا نامه دعوت بنده بودند [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

در ساعت ۲۰/۰۰ به تحقیقات خاتمه داده شد ۳۴/۱۰/۱۶

دادستان ارتش سرلشکر آزموده

سروان شاداب

کیهانخدیو

<http://www.chebayadkard.com>

جلسه مواجهه مرحوم سید مجتبی نواب صفوی با مرحوم سید محمود نریمان

[در تاریخ ۱۶/۱۰/۳۴]

.....

[سؤال از نواب صفوی]

س - آقای نریمان از این موضوع که سپهبد رزم آراء که نخست وزیر بود باید از بین بروند اطلاع داشتند یا خیر [؟] و در آن ملاقات راجع به این موضوع صحبتی به میان آمد یا نه [؟]

ج - آنچه می دانم و بخاطر دارم اینست که ایشان و همه افراد جبهه ملی اطلاع داشتند بلکه تجویز می کردند که آقای تیمار رزم آراء باید از بین بروند [ء] و در آن مجلس هم با آقای دکتر بقائی و آقای مکی و آقای حسین فاطمی در این باره مذاکره شده بود ولی با شخص آقای نریمان نظرم نیست که مذاکره ای در این خصوص شده باشد، ولی شک ندارم که رأی مذکور در باره اینکه سپهبد رزم آراء باید از بین بروند رأی همه آقایان مذکور جبهه ملی بود. [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

<http://www.chebayadkard.com>

بازجویی از مرحوم خلیل طهماسبی

تحقیق از خلیل طهماسبی درباره قتل مرحوم سپهد رزم آراء

[در تاریخ] ۳۴/۱۰/۱۷

در ساعت ۱۱۰۰ صبح روز ۳۴/۱۰/۱۷ خلیل طهماسبی در دفتر دادستان ارتش حاضر بشرح زیر از او تحقیقات بعمل آمد.

من - قبل از کشته شدن مرحوم سپهد رزم آراء شخص شما در مورد قتل ایشان با چه اشخاصی ملاقات کردید توجه داشته باشید سئوالات روی قتل مرحوم رزم آراء است نه روی جریانات دیگر [،] مقصود این است چه اشخاصی تجویز قتل رزم آراء را کردند و از اینکه رزم آراء باید کشته شود و از بین برود اطلاع داشتند [،] دقیقاً مراتب را بیان نمائید.

<http://www.chebayadkard.com>

ج - فقط کاشانی که در منزلش اجتماعاتی می کرد [،] اجتماعاتی می شد [،] او مردم را علیه حکومت وقت مخصوصاً رزم آراء تحریک می کرد [،] موقعیکه من می خواستم بروم پی این کار آنکه مرا تجویز و تحریک برای اینکار می کرد آقای نواب صفوی و سید عبدالحمین واحدی بودند و سه روز قبل از رفتن پی این کار من با کاشانی ملاقات کرده و به او قضیه را گفتم [،] آن هم گفت برو ولی اسم مرا نبر [،] این بوده که من می دانستم و یک مجلسی هم که چند وقت قبلش در منزل حاج محمود آقائی

تشکیل شد که وکلای اقلیت در آنجا ظهر و شب اجتماع کرده بودند [ء] و شبش را آقای نواب من را پی دکتر بقائی فرستاد و او را آوردم در همین منزل [ء] مذاکرات در مورد همین قتل، یعنی تصمیم به قتل رزم آراء با آقای نواب مذاکراتی کرده بودند و من که بمنزل آمدم با دکتر بقائی [ء] از قرار دکتر ظهر نرسیده بود و صحبت‌هایی که ظهر شده بود البته ایشان نبودند، و شب هم مختصری آقای نواب و همین چند نفری که من آنجا دیدم [ء] مکی - دکتر فاطمی - و از قرار همه وکلا ظهر مفصلاً که من نبودم صحبت‌ها را کرده بودند [ء] شب من به اتفاق بقائی رفتم که شب مکی و دکتر فاطمی خاطر من هست بودند [ء] یکی دو نفر از وکلا نیز بودند که خاطر من نیست [امضاء] خلیل طهماسبی.

من - جواب شما قرائت می شود اگر صحیح است امضاء کنید و همچنین هر جوابی می دهید بعد از نوشتن قرائت می شود در صورت صحت امضاء کنید.

پس از خواندن جواب [ء] خلیل طهماسبی، توضیح زیر را می دهد:
موقعیکه صبح مرا آقای نواب فرستادند عقب آقای دکتر بقائی تا غروب معطل شده تا ایشان کارهایش را انجام دادند و به اتفاق ایشان به آن منزل یعنی منزل حاج محمود آقائی رفتم [امضاء] خلیل طهماسبی

من - در منزل حاج محمود آقائی، از قدانیان اسلام چه اشخاصی بودند [؟]
ج - ظهر که من نبودم و شب هم از فرار آقا سید عبدالحسین واحدی و حاج محمود آقائی در آنجا بودند، اگر کسی دیگر هم بوده در نظر ندارم فراموش شده [امضاء] خلیل طهماسبی.

<http://www.chebayadkard.com>

من - از صبح که رفتید دنبال آقای دکتر بقائی و گفتید تا غروب معطل شده اید تا ایشان کارهایش را انجام داد در کجا معطل شدید [؟]
ج - کوچه خداینده لوها خیابان ناصر خسرو چاپخانه ایست که محل کار دکتر بقائی بود.

من - نهار در آن روز کجا خوردید و چگونه از صبح تا غروب معطل شدید [؟]
ج - چاپخانه محل اجتماعات دکتر بقائی بود [ء] نزدیک ظهر دکتر بقائی آمد به او گفتم آقای نواب شما را خواسته اند، ایشان گفتند حالا که کار دارم گفتم بالاخره آقای نواب شما را خواسته اند، بالاخره ایشان حاضر شدند که بعد از انجام کارهایشان با من به خدمت آقای نواب بیایند [ء] این شد که تا نزدیک غروب کشید و نهار را هم در

همانجا خوردم [امضاء] خلیل طهماسبی.

س - غروب به چه وسیله و با چه اشخاصی بمنزل حاج محمود آقائی رفتید، منزل او کجا بود [؟]

ج - درست نظرم نیست، بنظرم با تا کسی بود. من و آقای دکتر بقائی و سید محمد واحدی هم آمده بود چون من دیر کرده بودم [،] درست خاطر من نیست او هم یا ما آمد یا نه [؟] دیگر کسی نظرم نیست.

س - این جریان، یعنی موضوع اینکه و کلاه اقلیت در روز و شبی خانه حاج محمود آقائی جمع شدند قبل از قتل مرحوم رزم آراء بود یا بعد [؟]

ج - قبل از قتل مرحوم رزم آراء بود.

س - اگر آقایان بگویند مثلاً آقای دکتر بقائی بگویند بعد از قتل مرحوم رزم آراء بود چه می گویند [؟]

ج - البته قبل از قتل بود واضح است، لابد از سایرین هم می پرسید حقیقت امر روشن خواهد شد، همانطور که عرض کردم موضوع کاشانی و این اجتماعی که گفتم عین حقیقت است اگر اجتماعات دیگری هم بعد از واقعه قتل کرده باشند من اطلاعی ندارم.

س - شما مطلبی را که گفتید حاضرید رو بروی آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی و سایرین بگویند یا خیر [؟]

ج - بله حاضرم.

.....
<http://www.chebayadkard.com>
.....

س - اسلحه ای که با آن شما سپهبد رزم آراء را به قتل رساندید چه اشخاصی در جریان تهیه آن دخالت داشتند [؟]

ج - من فقط اسلحه را از آقای نواب گرفتم، ولی مطلبی که آقای نواب در دادگاه گفتند راجع به اسلحه که اسلحه بوسیله حسن آقای زرگر تهیه کرده بودند از این موضوع اطلاع ندارم.

س - بوسیله چه شخصی دکتر مصدق را ملاقات کردید، در کجا ملاقات شد مذاکرات چه بود [؟]

ج - شخصی بنام علی آقا بود که شغلش سیم کشی بوده که از علاقمندان آقای

کاشانی بود [ء] چند روز که من از زندان آمدم بیرون از همان منزل کاشانی ایشان یعنی همان علی آقا دوسه روز با من بود [ه] ایشان تلفن می کردند و وقت می گرفتند و من به اتفاق ایشان و برادرم تقی طهماسبی بدیدن همین آقایان می رفتیم و بوسیله همین علی آقا به آقای دکتر مصدق تلفون شده بود وقت گرفتند و ما رفتیم بدیدن ایشان [ء] البته در ملاقات با آقای مصدق من و برادرم تقی طهماسبی ملاقات کردیم و من در مورد اجرای احکام اسلام با ایشان صحبت کردم و تقاضای آزادی آقای نواب صفوی را از ایشان نمودم، ایشان گفتند اگر آقای نواب صفوی شرط کنند که بروند در مسجد مشغول نماز خود شوند و مردم را نصیحت [و] براه اسلام دعوت کنند به این شرط ممکن است ایشان آزاد شود [ء] در غیر اینصورت ممکن نیست [،] بنده عرض کردم خدمت آقای دکتر مصدق که ایشان نماز که می خوانند که وظیفه واجب هر فرد مسلمان است، ولی امر به معروف و نهی از منکر هم وظیفه واجب هر فرد مسلمانی است [ء] ایشان گفتند [:] امر به معروف مانع انجام وظیفه مأمورین دولت می شود و من گفتم اتفاقاً اگر هر فرد مسلمان خود را مؤدب به آداب اسلام بنماید و همین امر به معروف و نهی از منکر به مأمورین دولت هم کمک خواهد [کرد]، در همین حدود صحبت شد. [امضاء] خلیل طهماسبی.

<http://www.chebayadkard.com>

<http://www.chebayadkard.com>

دادنامه ۱۶۳۸ ب ۱ - ۳۴/۱۰/۱۸

۱ - چنانچه خاطر محترم مستحضر است پس از واقعه قتل مرحوم شهید رزم آراه موضوع مورد رسیدگی دادسرای استان ۱ و ۲ دادگاه جنائی مرکز واقع شده و پس از وضع قانون عفو آزادی خلیل طهماسبی که مباشر بزه مزبور بوده، رسیدگی متوقف می شود. اینک پس از تعقیب سید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی، خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی که در اثر تیراندازی به سوی جناب آقای حسین علاه نخست وزیر در روز ۳۴/۸/۲۵ به مباشرت مظفرعلی ذوالقدر ضمن تحقیقات معلوم شده است که (دسته فدائیان اسلام) از دیرزمانی با توطئه مردم را تحریک به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت می نموده اند که مظهر آن از بین بردن نخست وزیران و اقداماتی بر ضد قوه مقننه و طرح از بین بردن بعضی رجال کشور و مقامات انتظامی و اختلال امنیت بوده است که یک مورد آن (توطئه قتل مرحوم شهید رزم آراه) در سال ۱۳۲۹ با معاونت بعضی از نمایندگان اقلیت دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و مباشرت خلیل طهماسبی که داخل در جمعیت فدائیان اسلام بوده که جریان امر و کیفیت واقعه را سید مجتبی نواب صفوی مشروحاً ضمن تحقیقات توصیف و بیان نموده است و تیمسار دادستان ارتش بموجب پرونده متشکله که ضمن کیفرخواست شماره ۵/۶۵۳۷ - ۳/۳۴/۱۰/۳ که بر

علیه سید مجتبی نواب صفوی و خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی و مظفرعلی ذوالقدر و چهار نفر دیگر تنظیم و بموجب آن متهمین تسلیم دادگاه شده‌اند اشاراتی بدین شرح به جریان قتل مرحوم سپهبد رزم آراء نموده‌اند.

الف) نواب صفوی در تحقیقات می گوید:

(زمامداران ایران از جمله جناب آقای علاء مهاجم به دین اسلام هستند و بحکم ضرورت دین در برابر هجوم باید دفاع کرد.)

ب) بنابه تحقیقات معمول (سید مجتبی نواب صفوی) در سال ۱۳۲۹ با جماعتی که دارای نقشه و طرح و هدف خاص بوده‌اند ائتلاف می نماید و نحوه ائتلاف سید مجتبی نواب صفوی با آن جماعت بطور خلاصه بدین نحو بوده که در تحقیقات می نویسد:

<http://www.chebayadkard.com>

(من آقایان را برای اتمام حجت دینی خواستم، آقایان گفتند فعلاً خطر بزرگ و مانع پیشرفت‌های دینی و ملی رزم آراء است و او بایستی ازین برود تا کارها درست شود. چون من هم از نظر دینی همین عقیده را داشتم تصمیم «به قتل نخست وزیر وقت اتخاذ شد. در ضمن یکی از افراد آن جماعت عقیده داشت هفت نفر بایستی از بین بروند» که از همه خطرناکتر و جلوتر سپهبد رزم آراء است بهمین جهت پس از مدتی تعقیب که تصمیم متخذه بموقع اجرا گذاشته شود، ولی موفقیت حاصل نمی شد شب روزنامه اطلاعات را خواندم نوشته فردا مجلس ختم (آیه الله فیض در مسجد شاه است. بهمین مناسبت فرستادم خلیل طهماسبی از منزلش آمد و قصیه را به ایشان) گفتم خوشحال شد.... الی آخر).

ج) - از نواب صفوی وقتی سؤال می شود (منطق آقایان در تجویز قتل مرحوم سپهبد رزم آراء چه بود) می نویسد: منطق آن جماعت که با آنها مذاکره شد این بود که سپهبد رزم آراء (خائن به مملکت و اسلام است).

د) نواب صفوی و خلیل طهماسبی پس از دستگیری اخیر اقرار صریح و روشنی درباره جریان و ریشه توطئه و تبانی به منظور قتل مرحوم سپهبد رزم آراء نموده‌اند. و با عدم تعقیب و مجازات خلیل طهماسبی بوده است که نواب صفوی مظفرعلی ذوالقدر را تشجیع به ارتکاب سوء قصد به حیات نخست وزیر می کرده و شاهد مثال نواب صفوی همواره وضع خلیل طهماسبی پس از کشتن مرحوم سپهبد رزم آراء بوده است.)

ه) قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء مبنای وقوع یک سلسله حوادث خوفناک و خطیر تاریخی برای کشور بوده که فرجام آن وقایع روزهای ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ مردادماه ۳۲ بوده است و روز ۲۸ مرداد ماه ۳۲ بعنوان فصل نوین و جدید در تاریخ ایران خواهد بود.

۲ - این نکته جانب توجه است که توطئه (جمعیت فدائیان اسلام) به منظور (تخریب مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت) قبل از قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء بوده و توطئه مزبور و منظور از آن هیچگونه تفاوتی با توطئه قتل جناب آقای حسین علاء نخست‌وزیر فعلی ندارد.

۳ - ملازمه رسیدگی به توطئه قتل جناب آقای حسین علاء نخست‌وزیر را با رسیدگی به بزه قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء بنابه دلائل ذکر شده و پس از کشف توطئه قتل جناب آقای حسین علاء بموجب پرونده مشکله نمیتوان از نظر دور داشت که نظر به اوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب فعلی اکنون این نکته محقق و مسلم است که رسیدگی به بزه قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء ملازمه با رسیدگی به توطئه قتل جناب آقای حسین علاء دارد که از این لحاظ نیز به استناد ماده ۹۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش این بازپرسی خود را صالح به رسیدگی به بزه قتل مرحوم سپهبد رزم‌آراء می‌داند.

و بنابراین مقرر فرمائید کلیه مدارک مربوطه به قتل سپهبد رزم‌آراء در هر مرجعی که وجود دارد در اختیار این بازپرسی گذاشته شود تا وظایف قانونی خود را انجام دهد. رئیس شعبه یک بازرسی مرتب بدالله کیهانخدیو

<http://www.chebayadkard.com>

مواجهه حسن لشگری و سید مجتبی نواب صفوی

[بازجویی از] حسن لشگری بعنوان متهم [در تاریخ] ۳۴/۱۰/۱۹

فرزند غلامحسین، شناسنامه ۲۲۹۰۹ صادره از تهران، چهل ساله، کارمند بانک ملی و جواهرساز، عضو مجمع مسلمانان مجاهد

<http://www.chebayadkard.com>

.....

در این موقع ساعت ۱۹/۰۰ دستور داده شد نواب صفوی حاضر شود.

سؤال از سید مجتبی نواب صفوی

س - این شخص که پهلوی شما نشسته می شناسید یا خیر؟

ج - بله می شناسم آقای حسن لشگری هستند. امضاء: سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از حسن لشگری

س - این شخص را که پهلوی شما نشسته و گفت شما را می شناسد می شناسید

یا خیر؟

ج - بله می شناسم آقای نواب صفوی.

سؤال از نواب صفوی

س - از چه موقع شما حسن لشگری را شناختید و موجبات شناسائی چه بود؟

ج - بخاطر دارم که از سالهای ۲۷ تقریباً با ایشان در اجتماعات منزل آقای

کاشانی آشنا شدم. امضاء: سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از حسن لشگری

س - اظهار نواب صفوی را قبول داری یا نه؟

ج - بله قبول دارم.

سؤال از نواب صفوی

س - اسلحه ای که خلیل طهماسبی با آن سپهد رزم آراء را بقتل رسانید چگونه

تهیه نمودید؟

ج - آقای حسن لشگری همان اسلحه را آوردند و گفتند صاحبش بمبلغ ۲۵۰ تا

سیصد تومان می فروشد، تقریباً در همین حدود، و یک مختصری پول آنرا شخصاً تهیه و

پرداخته بودند و بقیه را هم بنده از برادران ۱۰ تومان و بیست تومان گرفتم و به ایشان

پرداختم. امضاء: سید مجتبی نواب صفوی.

<http://www.chebayadkard.com>

سؤال از حسن لشگری

س - ملاحظه می کنید نواب صفوی چه گفت؟ گفته او قرائت شد، خودتان هم

بخوانید، و هر توضیح دارید بنویسید.

ج - بنده در موقع قتل رزم آراء در کرمانشاه بودم، در منزل نادعلی کریمی مسکن

داشتم، بنده نمی دانم در چه موقعی این اسلحه را به ایشان دادم.

س - بموقع کاری نیست، نواب صفوی راست میگوید یا دروغ [؟]

ج - آقا نواب صفوی راست می گوید.

س - نواب صفوی چه موضوعی را راست می گوید [؟] آن موضوع را تشریح

کنید.

ج - نواب صفوی در موضوع اسلحه که می گوید از حسن لشگری گرفتم راست

می گوید و بنده که اول انکار کردم نمیدانستم یادم نبود.

س - گفته شد جریان را تشریح کن، مفصلاً شرح بده، موضوع از چه قرار بود؟

جزئیات امر را بنویس.

ج - اسلحه را بنا به دستور آقای کاشانی و شمس قنات آبادی از حسین میرزائی

استوار یک ارتش گرفته و به آقای نواب دادم.

سؤال از حسن لشگری

س - گفته شد جریان را تشریح کن و مفصلاً شرح بده، منظور این است هر گونه مذاکراتی و اقداماتی در این مورد بعمل آمده کم و کیف قضیه را بنویسید و توضیح دهید که موضوع بخوبی روشن باشد، نقطه تاریکی وجود نداشته باشد.

ج - موضوع اینست که یک شب در اطاق آقای کاشانی نشسته بودیم، آقارو کردند به شمس فئات آبادی که اگر یک اسلحه بنده داشتم خوب بود، شمس فئات آبادی گفت پولش را نداریم، کاشانی گفت بگویند پیدا کنید تا پولش فراهم شود، بنده چون حسین میرزائی را می شناختم، از ایشان پرسیدم، ایشان گفت یک نفر است دارد، و بنده به آقای کاشانی گفتم، ایشان گفت بگیری بدید به آقای نواب و پولش را از ایشان بگیری، بنده پولش را از آقای نواب گرفتم و دادم به حسین میرزائی و اسلحه را گرفتم بنابه دستور کاشانی دادم به ایشان.

س - در آن محضر که صحبت‌های بالا شد چه اشخاصی حضور داشتند؟

ج - آقای کاشانی بود و شمس فئات آبادی و دکتر شروین و مصطفی کاشانی، بنده هم بودم، دیگر کسی یاد نمی آید.

س - این جریان چند وقت قبل از کشته شدن سپهبد رزم آراء روی داد [؟]

ج - درست یادم نیست [،] ولی تقریباً بنظرم یک ماه پیش از قتل رزم آراء بود.

سؤال از سید مجتبی نواب صفوی

س - چه مدت قبل از قتل سپهبد رزم آراء شما اسلحه موصوف را از حسن

لشگری گرفتید [؟] <http://www.chebayadkard.com>

ج - درست بخاطر ندارم، ولی تقریباً یکی دو ماه قبل از واقعه قتل تیمار

رزم آراء بود. [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از حسن لشگری

س - اسلحه را در کجا تحویل گرفتید و در کجا به نواب صفوی دادید [؟]

ج - در منزل حسین میرزائی تحویل گرفتم، منزلش در سلسیل است، سه راه

اول نوبی کوچه دست راست، درب چندم است نمیدانم، در منزل آقای نواب که در

خیابان خراسان بود و کوچه اش را نمیدانم تحویل آقای نواب دادم.

سؤال از سید مجتبی نواب صفوی

س - آیا شما اسلحه را در همین جایی که حسن لشگری گفت تحویل گرفتید

ج - در آن ایام یک منزل کوچکی در خیابان خراسان کوچه آهنکوب (ظاهراً) در اجاره داشتم، و یکی هم آن منزل ما در میدان فوزیه بود که خانواده فوت شده بنده در آنجا بودند، بنظرم در یکی از این دو منزل بود ولیکن خیابان خراسان و آن منزل کوچک مذکور در ذهنم روشن تر آمد، [امضاء:] سید مجتبی نواب صفوی.

سوال از حسن لشگری <http://www.chebayadkard.com>

س - شما خدمت نظام وظیفه کرده اید یا خیر [؟]

ج - خیر.

س - با حسین میرزائی چه سابقه ای داشتی که اسلحه از او گرفتی و به او چه

گفتی [؟]

ج - بنده با حسین میرزائی قوم و خویش هستم، پسردائی پدر بنده است، به ایشان گفتم [:] یک نفر است از اشخاص برجسته [،] یک اسلحه می خواهد [،] داری [؟] ایشان گفت [:] سراغ می گیرم و بعد به شما می گویم [،] چند روز بعد آمد و گفت [:] بله آن شخص دارد.

س - اسلحه چه نوعی بود و چند فشنگ داشت که شما تحویل گرفتید، به حسین

میرزائی چه مبلغ دادید و از نواب صفوی چه مبلغ گرفتید [؟]

ج - اسلحه سیاه رنگی بود که می گفتند هفت تیر است و بنظر بنده ۱۳ عدد فشنگ داشت، تعداد فشنگ درست یادم نیست و مبلغ دو بیست پنجاه تومان پولش بود تمام پولش را از نواب صفوی گرفتم و به حسین میرزائی دادم.

سوال از سید مجتبی نواب صفوی

س - شما چه مبلغ به حسن لشگری پرداختید [،] اسلحه از چه نوع بود و چند

فشنگ داشت [؟] ضمناً توضیح دهید به حسن لشگری گفته بودید اسلحه ای برای شما تهیه کند یا کسی دیگر [؟]

ج - آنچه بخاطر دارم اینست که چون از بعضی برادران ۱۰ تومان و بیست تومان

می گرفتم خود آقای لشگری هم مقدار هفتاد و یا پنجاه تومان آن را تهیه کرده و یا از خودشان پرداخته بودند و مبلغ صد و هشتاد تومان هم تقریباً بنده پرداختم و اسلحه از نوع بلژیکی بود و رنگش سیاه و فشنگ هم تقریباً ۱۴ و ۱۵ تا داشت [،] و نظرم هست که

پیغامی برای بنده آوردند که آقای لشگری اسلحه‌ای سراغ دارند و می‌خواهند برای شما بخرند و بنده هم قبول کرده همین وسیله برای تهیه آن اسلحه شد [امضاء:] سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از نواب صفوی

س - حسن لشگری می‌گوید اسلحه را که بدست آورد آقای کاشانی گفتند او بدهد به شما و پولش را از شما بگیرد. از این گفته حسن لشگری چنین معلوم می‌شود که شما به آقای کاشانی گفته‌اید اسلحه می‌خواهیم [؟] در این مورد چه می‌گویند [؟]

ج - آنچه در نظر دارم اینست که آقای کاشانی به نحو مذکور در گذشته منتظر این بودند که تیمسار رزم‌آراء از بین برود و می‌دانستم که ایشان برای این امر فعالیت هم می‌کنند، از قبیل تهییج داوطلبین مذکور در گذشته، و می‌دانستم که آقای لشگری هم تماس خصوصی با ایشان دارند و بنده اسلحه‌ای از آقای کاشانی نخواستم بودم و آنروز هم که آقای لشگری اسلحه را آوردند، همینقدر گفتند از کسی می‌خواهم بخرم به این قیمت. دیگر بنده سؤال از ایشان نکردم، چون طبعاً نمی‌خواستند اسم فروشنده برده شود بنده هم اصراری نکردم لکن.... [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از حسن لشگری

س - نواب صفوی می‌گوید شما تماس خصوصی با آقای کاشانی داشتید توضیح دهید تماس خصوصی شما با ایشان از چه قرار بود [؟]

ج - بنده یکی از افراد مجاهدین اسلام بودم که آقای کاشانی رهبر آن مجمع بود، و در خصوص مجمع با ایشان مذاکره می‌کردیم و جزء افراد مخصوصی بودیم و در کارهای مجمع با ایشان تبادل افکار می‌کردیم.

.....

<http://www.chebayadkard.com>

.....

سؤال از نواب صفوی

س - حسن لشگری چطور سلاخی که خرید و تهیه کرد او را بشما داد، حسن لشگری که در برابر شما نشسته است از کجا می‌دانست شما طالب اسلحه هستید [؟]

ج - آنچه می‌دانم اینست که همه دوستان نزدیک بلکه بعضی از دوستان دور آن روز بنده و آقای کاشانی و جبهه ملی قضیه مخالفت شدید با تیمسار رزم‌آراء و از بین

بردن او را می دانستند، و موافق و مجوز آن بودند و ایشان یعنی آقای لشگری هم که از دوستان نزدیک آقای کاشانی بودند مطلب را بنابر آن اطلاع عمومی لااقل می دانستند، این آنچه است که بنده معتقد بوده و هستم نسبت به آن روز [امضاء] سید مجتبی نواب صفوی.

سؤال از حسن لشگری

س - در برابر اظهار سید مجتبی نواب صفوی چه می گویند [؟]

ج - بنده هیچ اطلاع از ترور سپهبد رزم آرا نداشتم [،] همین چوری که می فرمائید اگر معلوم شد که بنده اطلاع داشتم هر چه می خواهید بکنید.

س - علی احرار، رضا قدوسی، علی ذوالفقاری چه نظریاتی نسبت به سپهبد رزم آرا داشتند [؟]

ج - بنده چون تماس نزدیک با ایشان نداشتم نظر ایشان را نمی دانستم.

س - شما نوشتید الآن هم قوم و خویشهای سید ابوالقاسم کاشانی اسلحه دارند، آنها را معرفی کنید.

ج - حسین سالمی نوه ایشان بنده دیده بودم که اسلحه داشت و علی زاده که یکی از نزدیکان ایشان بود اسلحه داشت.

در ساعت ۲۲۰۰ به این جلسه تحقیقات خاتمه داده شد ۳۴/۱۰/۱۹.

دادستان ارتش سرلشگر آزموده کیهانخدیو سروان شهاب

<http://www.chebayadkard.com>

قسمتی از بازجویی مرحوم آیه‌الله کاشانی در اداره دادرسی ارتش
در ساعت ۱۷/۳۰ روز ۳۴/۱۰/۲۷

.....

س - بنظر شما چه کسی مباشر قتل سپهبد رزم آراء بود [؟]

ج - من نمی‌دانم قاتل او چه کسی بود [،] ولی از قراریکه پرونده خلیل
حکایت می‌کند او قاتل نبوده آن برای افتخار بریش گرفته [امضاء] کاشانی.

س -

ج - آنچه از پرونده او برای من اشخاص امین نقل نموده‌اند همین بود که بیان
شد [امضاء] کاشانی.

<http://www.chebayadkard.com>

قسمتی از سومین جلسه بازجویی مرحوم آیه‌الله کاشانی در اداره دادرسی ارتش
که در ساعت ۱۷/۴۵ روز ۳۴/۱۰/۳۰ شروع و در ساعت ۱۹/۳۰ همان روز ختم شده
است

.....

س - شما در صفحه ۱۱ نوشته‌اید:

«قتل سپهبد رزم آراء را به ضرر مملکت نمی‌دانسته‌اید»، از این گفته شما چنین
استنباط می‌شود که:

«قتل سپهبد رزم‌آراء را به نفع مملکت می دانسته‌اید»، آیا همین‌طور است یا

خیر [؟]

ج - اولاً بضرر ندانستن مستلزم آن نیست که نفع باشد، و ثانیاً با مطالب سابقه در پرتاب تیر بطرف اعلیحضرت و سایر مطالبی که قبلاً نوشتم نفع بوده. [امضاء] کاشانی.

قسمتی از ششمین جلسه بازجویی از آیه‌الله کاشانی در اداره دادرسی ارتش که در ساعت ۱۸/۱۵ روز ۳۴/۱۱/۷ در حضور سرانشگر آزموده، سرتیپ کیخسرو خدیو و سروان شاداب شروع و در ساعت ۲۲/۴۵ همان روز خاتمه یافته است.

.....

س - قاتل چه کسی بوده [؟] منظور قاتل سپهبد رزم‌آراء است.

ج - قبلاً هم مکرر نوشته‌ام نمی‌دانم کیست، ولی برحسب پرونده قاتل خلیل نیست [امضاء] ابوالقاسم کاشانی.

س - پس شما نمیدانید قاتل کیست آیا همیشه‌طور است یا خیر [؟] یعنی برخلاف اقرار صریح خلیل طهماسبی که خود را قاتل سپهبد رزم‌آراء می‌داند شما خلیل را قاتل نمیدانید و کسی دیگر را هم نمی‌توانید قاتل معرفی کنید [؟] چه می‌گویند [؟]

ج - روز اول نوشتم خلیل این اقراراتش از روی بوده و این قتل را بریش گرفته، و همان‌طور که قبلاً نوشته‌ام من در مسجد شاه نبودم که بینم قاتل کی بود. [امضاء] سید ابوالقاسم کاشانی.

<http://www.chebayadkard.com>

رای شعبه ده دیوانعالی کشور راجع به صلاحیت دادگستری و بازپرسی دادسرای
شهرستان تهران در تعقیب متهمین بقتل رزم آرا

شیر و خورشید
وزارت دادگستری

۳۸۰۶ - ۳۴/۱۲/۲۹

پرونده فرجامی - ۲۸۵۲ - ۷

مقتضای - دادستان شهرستان تهران

طرف اختلاف - بازپرسی دادسرای نظامی

موضوع تقاضا - حل اختلاف از لحاظ صلاحیت دادگستری و مقامات ارتش

گزارش - در شانزدهم اسفند/۱۳۲۹ بسبب فوت مرحوم آیه الله فیض در مسجد

سلطانی تهران مجلس ترحیم برپا بوده و جناب رزم آراء نخست وزیر وقت بمعیت آقای

علم وزیر کار آن روز برای شرکت در ترحیم وارد مسجد شده و هدف تیر گردیده و آناً

بقتل رسیده - اشخاص آتیه الذکر بعنوان مرتکب اصلی و معاون مجرم مورد تعقیب قرار

<http://www.chebayadkard.com>

داده شدند.

۱ - خلیل فرزند ابراهیم شهرت طهماسبیان (متهم اصلی)

۲ - سید محمد واحدی فرزند سید محمدرضا ۳ - سید عبدالحمین واحدی

فرزند سید محمدرضا ۴ - سیدهاشم حسینی فرزند سیدجواد ۵ - حسین اکبری فرزند

رضا ۶ - رضا قدوسی فرزند علی اکبر ۷ - علی احرار فرزند حاج محمد اسمعیل ۸ -

فضل الله اسمعیلی فرزند غلامحسین ۹ - حسن فرزند کاظم شهرت باباعلی ۱۰ - امیر

عبدالله کر باسچیان فرزند محمد باقر - معاونین و بشرح نظریه مورخه ۳۰/۲/۱۴ باز پرس (باز پرسى شعبه اول تهران) نسبت به نواب صفوى و حاج ابوالقاسم رفیعی و سایر متهمین بدون ذکر اسم که فعلاً باز پرس به آنها دسترسى ندارد پرونده مفتوح است.

دادیار دادسرا نواقصى در پرونده ملاحظه نموده و آن را برای اظهار نظر ماهوى آماده ندانسته، و پس از رفع نواقص، مجدداً باز پرس اظهار عقیده نموده و نسبت بمتهمین بمعاونت بین دادیار و باز پرس اختلاف عقیده حاصل و قضیه برای حل اختلاف بشعبه ۹ دادگاه استان ۱ و ۲ ارجاع و شعبه مرقومه بشرح رای نهم خرداد/۱۳۳۰ چنین اظهار نموده است:

(چون از مجموع محتویات پرونده و بازجوییهای آن با توجه به اوضاع و احوال قضیه و مدافعات متهمین همانطوریکه آقای دادیار ضمن اظهار نظر خود استدلال نموده اند دلائل و قرائن کافى بنظر نمى رسد که سید محمد واحدی و ابوالقاسم رفیعی خلیل طهماسبیان را به ارتکاب قتل مرحوم رزم آراء تحریک و ترغیب نموده یا تبانی در این خصوص با او نموده یا وسائلی برای وی تهیه کرده باشند، و همچنین دلائل و قرائن کافى دیده نمى شود که بر فرض وجود جمعی بنام فدائیان اسلام و [اینکه] متهمین در میتینگ جمعیت مزبور شرکت نموده یا مردم را در اثر ایراد نطق و خطابه تحریک به ارتکاب جنحه یا جنایت نموده باشند تا تعقیب کیفری متهمین که عبارتند از:

سید محمد واحدی، و ابوالقاسم رفیعی، و سید عبدالحسین واحدی، و سید هاشم حسینی، و حسین اکبری، و رضا قدوسی، و علی احرار، و فضل الله سمیعی، و حسن باباعلی، و محمد یآوری، و امیر عبدالله کر باسچیان را به اتهامات منتسبه ایجاب نماید، لذا با گسیختن قرار باز پرسى، بالنتیجه عقیده دادستان بر غیر قابل تعقیب بودن متهمین نامبرده استوار مى شود.

<http://www.chebayadkard.com>

بر اثر جریان مرقوم در اول تیرماه/۱۳۳۰ - دادسرای تهران علیه استاد خلیل طهماسبیان فرزند ابراهیم ۲۷ ساله مسلمان تابع ایران به دیوان عالی جنائی تهران با اتهام قتل عمد مرحوم رزم آراء نخست وزیر وقت و داشتن اسلحه قاچاق و ایراد جرح به مأمور انتظامی هنگام انجام وظیفه کیفرخواست تقدیم و مجازات متهم را در حدود ماده ۱۷۰ قانون مجازات و مواد مشروحه دیگر در کیفرخواست تقاضا نموده.

موضوع در شعبه اول دادگاه عالی جنائی تهران طرح، و ورثه مرحوم رزم آراء هم

بعنوان مدعی خصوصی به دادگاه مزبور دادخواست داده و در خلال جریان امر - قانون عفو و آزادی خلیل طهماسبیان (طهماسبی) مصوب شانزدهم مرداد/۱۳۳۱ از مجلس گذشته و وزارت دادگستری بشرح نامه ۴۰۷۵۴ - ۳۱/۸/۲۲ رونوشت آن را که موشح از ظرف ذات شاهانه بوده بشعبه اولی دادگاه جنائی تهران ابلاغ نموده و قانون مرقوم به این عبارتست:

<http://www.chebayadkard.com>

ماده واحده - (چون خیانت حاج علی رزم آراء بر ملت ایران ثابت گردیده هرگاه قائل او استاد خلیل طهماسبی باشد بموجب این قانون مورد عفو قرار می گیرد و آزاد می شود.)

بر اثر قانون فوق الذکر دادرسی تهران از دادگاه عالی جنائی بشرح نامه شماره ۲۴۸۶۱ - ۳۱/۸/۲۴ - تقاضای تبدیل قرار بازداشت خلیل طهماسبیان را بتامین خفیف تری نموده و دادگاه قرار بازداشت را به اخذ التزام مبلغ یکصد هزار ریال و عدم خروج از حوزه قضائی تهران نسبت به خلیل طهماسبیان در تاریخ ۳۱/۸/۲۴ صادر نموده. قرار دادگاه ابلاغ و بموقع اجرا گذاشته شده و پرونده راکدمانده. در تاریخ ۳۴/۸/۲۵ سوء قصدی بمباشرت مظفرعلی فرزند حمزه علی شهیر به ذوالقدر - علیه جناب آقای علاء نخست وزیر فعلی اتفاق افتاده و نامبرده و سید مجتبی فرزند سید جواد شهیر به میرلوحی معروف به نواب صفوی و خلیل طهماسبیان فرزند خلیل و سید محمد واحدی فرزند سید محمدرضا به اتهام توطئه بمنظور به هم زدن اساس حکومت و تحریص مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت و حمل اسلحه غیرمجاز از طرف مقامات دولتی تحت تعقیب قرار گرفته و به اعدام محکوم و بر اثر قطعیت حکم در ۳۴/۱۰/۲۷ (بموجب رونوشت نامه شماره ۶۶۹۱/د - ۳۴/۱۰/۲۸ دادستانی ارتش بریاست دادرسی استان مرکز) اعدام گردیدند.

شعبه یک. بازپرسی ارتش مطابق مشروح ۱۶۳۸/ب ۱ - ۳۴/۱۰/۱۸ توطئه علیه جناب آقای علاء را با موضوعات مربوطه به قتل رزم آراء و هژیر و کسروی متحد دانسته و عاملین این جرائم را جمعیت فدائیان اسلام با معاونت بعضی از نمایندگان اقلیت دوره شانزدهم مجلس شورای ملی (بدون ذکر اسم) (بمنظور تحریص مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت) فرض نموده و تقاضا کرده که کتبه مدارک مربوطه به قتل سپهبد رزم آراء را در هر مرجعی که وجود دارد در اختیار بازپرسی فوق الذکر قرار